

مستندات قرآنی مبانی خداشناسی مواجهه با ظالمان بر اساس دعای چهاردهم صحیفه سجادیه

برات محمد هدایتی^۱ و نظیر علی^۲

چکیده

مواجهه با دشمن و ظلم‌ستیزی یکی از مسائل راهبردی جامعه اسلامی است که نیازمند الگویی جامع مبتنی بر معارف وحیانی می‌باشد. دعای چهاردهم صحیفه سجادیه که ناظر به تظلم‌خواهی و استنصار در برابر ظالمان است، منظومه‌ای غنی از معارف را در این زمینه ارائه می‌دهد. این پژوهش با هدف استخراج مبانی و اصول مواجهه با دشمن از متن این دعا و تبیین بنیان‌های قرآنی آن انجام شده است تا الگویی کاربردی برای جبهه حق ارائه نماید. پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، توصیفی-تحلیلی است که با بهره‌گیری از روش «تحلیل محتوای کیفی» به واکاوی عمیق مفاهیم دعا و انطباق آن با آیات قرآن کریم پرداخته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که منظومه فکری امام سجاد (ع) در مواجهه با دشمن بر سه دسته از مبانی استوار است: ۱. مبانی خداشناسی: شامل آگاهی و نظارت مطلق خداوند بر ظلم، قطعیت یاری مؤمنان، حتمیت عذاب ظالمان و قدرت بی‌نهایت الهی در درهم‌شکستن ستمگران. نتیجه پژوهش بیانگر آن است که دعای چهاردهم صحیفه سجادیه، صرفاً یک مناجات فردی نیست، بلکه برنامه‌ای قرآنی برای مدیریت بحران در مواجهه با دشمنان است.

کلیدواژه‌ها: صحیفه سجادیه، دعای چهاردهم، دشمن‌شناسی، قرآن کریم، مبانی خداشناسی، ظلم‌ستیزی.

۱. استاد همکار مدرسه عالی قرآن و حدیث، جامعه المصطفی العالمیه، مشهد، ایران.

۲. دانش‌پژوه کارشناسی ارشد، مدرسه عالی قرآن و حدیث، جامعه المصطفی العالمیه، مشهد، ایران.



مقدمه

مواجهه با ظلم و ستم یکی از چالش‌های همیشگی تاریخ بشر بوده و چگونگی برخورد با ستمگران، همواره ذهن حق‌طلبان را به خود مشغول کرده است. امام سجاد (ع) در دعای چهاردهم صحیفه سجادیه، راهبرد این مواجهه را بر پایه‌ای استوار از خداشناسی بنا می‌کند. اولین و بنیادی‌ترین مبنا در این مسیر، تکیه بر علم، آگاهی و نظارت مطلق خداوند بر تمامی هستی است. بر اساس کلام امام، هیچ خبری از احوال ستمدیدگان بر خداوند پوشیده نیست و او بر تمام جزئیات، از نقشه‌های پیچیده دشمنان گرفته تا دردهای درونی و ناله‌های پنهان مظلومان، اشراف کامل دارد. این آگاهی الهی در قرآن کریم نیز با صفت علیم پیوند خورده و مقدمه‌ای برای داوری و حکمرانی عادلانه پروردگار در دنیا و آخرت تلقی می‌شود.

در واقع، تکیه بر علم الهی صرفاً یک بحث کلامی نیست، بلکه پیامی امیدبخش برای مظلوم است که بداند خداوند از او غافل نیست. امام سجاد (ع) با بیان اینکه خداوند در مقام قضاوت نیازی به حضور شاهدان و اقامه دعوی ندارد، به قدرت و علم بی‌نهایت حق اشاره می‌کند که بر ظاهر و باطن هر پدیده بیناست. این باور که عالم محضر خداست، نه تنها انسان را از ارتکاب ستم باز می‌دارد، بلکه به او می‌آموزد که در سخت‌ترین شرایط و در مواجهه با قوی‌ترین دشمنان، تنها به قدرت لایزال الهی تکیه کند. از سوی دیگر، امام بر سنت‌های قطعی الهی تأکید می‌ورزد که بر اساس آن‌ها، خداوند ستمکاران را دوست ندارد و داد حق‌طلبان را از طغیانگران خواهد ستاند. این مقاله در صدد است تا نشان دهد چگونه ایمان به نظارت و قدرت خدا، به‌عنوان یک لنگرگاه روحی، مظلوم را در برابر طوفان‌های ستم استوار نگه داشته و او را به سوی پیروزی نهایی هدایت می‌کند. این رویکرد توحیدی، مواجهه با دشمن را از یک درگیری مادی صرف خارج کرده و به یک مجاهدت الهی تبدیل می‌کند که پیروزی در آن، به دلیل پیوند با قدرت مطلق خدا، حتمی و تخلف‌ناپذیر است.

مبانی خداشناسی

مبانی خداشناسی درباره ظلم و ظالمان، بر اساس دعای چهاردهم صحیفه سجادیه، چهار گزاره مهم است. مبناي اول، وجود آگاهی و نظارت خداوند بر ظلم ظالمان. مبناي دوم، قطعی بودن یاری مؤمنان توسط خداوند. مبناي سوم، قطعی بودن عذاب ظالمان توسط خداوند. مبناي چهارم، قدرتمندی خدا در مواجهه با ظالمان و دشمنان.

در ادامه به تبیین این چهار مبنا که به روش تحلیل مضمون از دعای چهاردهم کشف شده‌اند، می‌پردازیم.

الف) آگاهی و نظارت خداوند

اولین مبنا از مبانی مواجهه با دشمنان، علم، آگاهی و نظارت خداوند بر همه چیز است. خداوند بر همه چیز آگاهی مطلق دارد. امام سجاد (ع) در فرازی می‌فرماید: «یا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ أَنْبَاءُ الْمُتَطَلِّمِينَ»؛ یعنی خداوند آگاهی مطلق دارد.

همچنین بر اساس این فراز «یا مَنْ لَا يَحْفَى عَلَيْهِ أُنْبَاءُ الْمُتَطَلِّمِينَ»، این آگاهی خداوند به چند چیز تعلق دارد: ۱. وضعیت مظلومان و ستمدیدگان؛ ۲. نقشه‌ها و برنامه‌های دشمنان؛ ۳. تمام امور؛ ۴. نسبت به هر صدایی و ناله‌ای.

آگاهی خداوند نه تنها عمومی بلکه به قدری دقیق است که شامل افکار و دردهای درونی متظلمین نیز می‌شود؛ و این آگاهی، امید را در دل ستمدیدگان زنده می‌کند و به آن‌ها اطمینان می‌دهد که خداوند از آن‌ها غافل نیست و حق آن‌ها را خواهد گرفت. چون وقتی انسان‌ها بدانند که خداوند از تمام اعمال آن‌ها آگاه است، سعی می‌کنند از ظلم و ستم به دیگران خودداری کنند و این باور باعث می‌شود که انسان‌ها در رفتار خود عدالت و انصاف را رعایت کنند؛ و این باور انسان‌ها را تشویق می‌کند تا از مظلومان حمایت کنند و در برابر ظلم و ستم بایستند و این باور به خداوند باعث می‌شود که انسان‌ها در قبال اعمال خود مسئولیت‌پذیر باشند و در نتیجه این باور می‌تواند به ایجاد جامعه‌ی عادلانه‌تر و اخلاقی‌تر کمک کند.

امام سجاد (ع) می‌فرماید: «ای خداوندی که خبر دادخواهی و شکوه‌های مظلومان از جور ظالمان بر او پوشیده نیست. هرگاه جور دیده‌ای شکایت به درگاهت آورد، تو کاملاً از آن آگاهی.»

بر این مبنا امام به سنت خداوند متعال درباره‌ی ظلم اشاره می‌فرماید که شامل آن است که هر ظلمی در هر کجای جهان و از هر که سر بزند، حضرت حق عالم به آن و داور آن در دنیا و آخرت است. حضرت در دنیا به میزان ظرفیت این جهان درباره‌ی ظلم داوری می‌کند. در آخرت نیز این داوری به شکل گسترده‌تر محقق می‌شود. از مهم‌ترین حوادث جهان آخرت، مقابل هم ایستادن ظالم و مظلوم و تحقق داوری خداوند است. داوری و سنت خداوند در دنیا و آخرت و حکمی که در این دو جهان صادر می‌فرماید، آن است که ظالمان و متجاوزان را دوست نمی‌دارد: (انصاری، ۱۴۰۰، ج. ۳، ص. ۲۷۲).

«وَاللَّهُ لَا يَجِبُ الظَّالِمِينَ» (آل عمران: ۵۷)؛ و خداوند ستمکاران را دوست نمی‌دارد. «إِنَّ اللَّهَ لَا يَجِبُ الْمُعْتَدِينَ» (بقره: ۱۹۰)؛ همانا خدا تجاوزکاران را دوست نمی‌دارد.

«خدای دادگر سرانجام داد حق‌طلبان و عدالت‌خواهان را از ستمکاران و طغیانگران خواهد گرفت. و خدای دادگر از مرگ‌اندیشی و اعمال زشت و ظالمانه‌ی طغیانگران آگاه است و همه را می‌بیند و از آنان می‌پرسد چرا؟ و دل سپردن به این دو اصل و ایمان به این دو نکته، اگر آگاهانه و واقعی باشد انسان را به سوی درست‌اندیشی‌ها و شایسته‌کاری‌ها برمی‌انگیزد و از گناه و ستم باز می‌دارد» (انصاری، ۱۴۰۰).

«امام در آغاز دعا بر علم و آگاهی خداوند به ظلم تکیه می‌کند و دعای خود را با این جمله آغاز می‌فرماید: (یا مَنْ لَا يَحْفَى عَلَيْهِ أُنْبَاءُ الْمُتَطَلِّمِينَ). واژه «انباء» به معنای خبر است. البته خبر خاص؛ یعنی هر گزارش را خبر می‌گویند، اما هر گزارش و خبری را نبأ نمی‌گویند. در هر خبر باید دو ویژگی موجود باشد تا نبأ نام گردد: یکی اهمیت و سودمندی در بررسی و دنبال کردن و دیگر مسلم و یقینی بودن خبر. خبری که این دو ویژگی را داشته باشد عظمت و بزرگی در آن دیده می‌شود.» قرآن می‌فرماید: «عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ عَنِ النَّبَاِ الْعَظِيمِ» (نبأ: ۱-۲)؛ از چه چیز از یکدیگر می‌پرسید؟ از چه خبر بزرگ.



در حدیثی می‌خوانیم: «أَعْبُدِ اللَّهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ فَإِنْ لَمْ تَكُنْ تَرَاهُ فَإِنَّهُ يَرَاكَ»: خدا را آن‌چنان عبادت کن که گویی او را می‌بینی و اگر تو او را نمی‌بینی او تو را به خوبی می‌بیند.

«این واقعیت که هر کاری را انسان انجام می‌دهد در پیشگاه خداست و اصولاً تمام عالم هستی محضر خداست، و چیزی از اعمال و حتی نیات آدمی از او پنهان نیست، می‌تواند روی برنامه زندگی انسان اثر زیادی بگذارد و او را از خلاف‌کاری‌ها باز دارد، مشروط بر اینکه ایمان به این مطلب، واقعاً در دل او جای گیرد و به‌صورت یک باور قطعی درآید» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹، ج. ۲۷، ص. ۱۸۹).

امام سجاد (ع) می‌فرماید: «وَيَا مَنْ لَا يَحْتَا جُ فِي قَصَصِهِمْ إِلَى شَهَادَاتِ الشَّاهِدِينَ». همچنین در جای دیگری می‌فرماید خداوند گواه همه چیز است و نیازی به شهادت دیگران ندارد. این جمله به قدرت و علم بی‌نهایت خداوند اشاره می‌کند که او از همه چیز آگاه است و نیازی به تأکید یا گواهی دیگران ندارد. در جمله «فی قصصهم»، این قسمت به داستان‌ها، سرگذشت‌ها و وقایعی اشاره دارد که در زندگی انسان‌ها رخ می‌دهد. این متن شامل همه اعمال، افکار، نیت‌ها و تجربیات آن‌ها می‌شود.

«امام سجاد (ع) در این فراز به درگاه خداوند عرضه می‌دارد: خدایا! تو بر مجموعه جریان زندگی من آگاهی. پس نه من محتاج بازگو کردن قصه خود هستم و نه رسیدگی تو به دادخواهی من نیازمند اقامه دعوی و تشکیل جلسه دادرسی و حضور شهود است، بلکه علم ربوبی حضرت شامل تمام وقایع است؛ آن‌چنان‌که تو از فاعل مباشر آگاه‌تر و به زمینه و علت‌های کار او بیناتر هستی؛ یعنی ممکن است خود فاعل مباشر نداند که چرا فلان کار از او صادر شد و چه بسا پس از عمل و ارتکاب جرم، در حیرت است که چگونه آن عمل اتفاق افتاد؛ اما علم مطلق تو به ظاهر و باطن ذره‌ذره هستی قطعی و حتمی است. بدین جهت امام (ع) می‌فرماید: خداوند متعال به آگاه‌شدن یا شهادت شهود نیازی ندارد و یاری او به مظلومان بس نزدیک است، چه در منظر حق قرار دارند» (ممدوحی، ترجمه و شرح صحیفه سجادیه شهود و شناخت).

بر اساس آیات قرآن، خداوند هم شاهد است و هم مشهود. شاهد است؛ زیرا همه چیزها را می‌بیند و همه هستی مشهود اوست و چیزی از او غایب نیست. همچنین خداوند مشهود است؛ یعنی آنچه همیشه دیده می‌شود خداوند است. خداوند در این باره می‌فرماید: «أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ» (فصلت: ۵۳). به تحقیق آیات خودمان را در آفاق و در نفس‌هایشان می‌نمایانیم تا برایشان روشن شود که او حق است و آیا کفایت نمی‌کند که پروردگارت بر هر چیزی مشهود است.

امام سجاد (ع) در این فراز می‌فرماید: «وَيَا مَنْ قَرَّبَتْ نُصْرَتُهُ مِنَ الْمُظْلُومِينَ». در این عبارت نشان می‌دهد که خداوند نه تنها به وضعیت ظاهری مظلومان بلکه به دردهای درونی آن‌ها عالم است. این فراز از دعای صحیفه سجادیه به سوی امید و اطمینان برای هر دلی است که طعم تلخ ستم را چشیده است. «ای خدای که یاری‌ات به ستم‌دیدگان نزدیک است»، نه یک وعده دور، بلکه اعلام حضوری دائمی و حمایتی بی‌دریغ از سوی پروردگار جهانیان است. این نزدیکی، تنها محدود به زمان و مکان نیست، بلکه به معنای توجه ویژه و عنایت خاص الهی به کسانی است که در زیر بار ظلم، کمر خم کرده‌اند.

«قَدْ عَلِمْتَ، يَا إِلَهِي، مَا نَأَلِي مِنْ فَلَانٍ بَيْنَ فَلَانٍ مِمَّا حَظَرْتَ»؛ خداوند آگاه است، به تمام ظلم‌ها و ستم‌هایی که بر بندگانش روا می‌شود آگاه است. هر چیزی که انسان انجام می‌دهد، خداوند از آن مطلع است. برخی از کارهایی که او از انسان نهی کرده مانند ظلم کردن باید انجام نشود؛ و در این فراز مظلوم از خدا شکایت می‌کند و می‌گوید که خدایا، کسانی که بر من ظلم کردند همان کارهایی را انجام دادند که شما از آن‌ها منع کرده‌اید.

ب) قطعی بودن یاری مظلومان

دومین مبنا از مبانی مواجهه با دشمنان قطعی بودن یاری مؤمنان از طرف خداست. امام سجاد (ع) در این فراز می‌فرماید: «وَايَا مَنْ قَرَّبَتْ نُصْرَتُهُ مِنَ الْمَظْلُومِينَ»؛ نصرت خداوند برای مظلومین قریب است. این تعبیر نشان می‌دهد نصرت الهی برای مظلومان نه فقط وعده‌ای دور، بلکه حقیقتی نزدیک و قطعی است. نزدیکی نصرت در اینجا به معنای توجه خاص و حمایت مستمر خداوند از مظلومان است، حتی اگر در ظاهر تأخیری در تحقق آن باشد. «مظلومان عالم باید بدانند که بی‌کس و بی‌یار و یاور نیستند و خداوند متعال که خالق آنان و خالق کل عالم است پشت و پناه آنان می‌باشد و نصرت حق نزدیک خواهد بود» (رضوانی، ۱۳۹۱، ج. ۲، ص. ۲۵۲).

در قرآن خداوند می‌فرماید: «اجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا» (نساء: ۷۵).

این آیه به دعای مستضعفان اشاره می‌کند: «رَبَّنَا أَخْرِجْنَا...» که نشان می‌دهد خداوند ناله مظلومان را می‌شنود و خواست آنان را با فراهم کردن «ولی» (رهبر) و «نصیر» (یاور) اجابت می‌کند. به گفته مفسران، این وعده با فتح مکه و نصب پیامبر (ص) به‌عنوان رهبر محقق شد.

قال ابن عباس: «یریدون اجعل علینا رجلا من المؤمنین یوالینا و یقوم بمصالحنا و یحفظ علینا دیننا و شرعنا، فأجاب الله تعالی دعاءهم لأن النبی علیه الصلاة والسلام لما فتح مكة جعل عتاب بن أسید أمیرا لهم، فکان الولی هو الرسول علیه الصلاة والسلام، و کان النصیر عتاب بن أسید، و کان عتاب ینصف الضعیف من القوی و الذلیل من العزیز» (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج. ۱۰، ص. ۱۴۲). خداوند نصرت خود را مشروط به اقدام مسلمانان قرار داده است؛ یعنی یاری الهی از طریق جهاد مؤمنان تحقق می‌یابد. این نشان می‌دهد نصرت خداوند هم مستقیم (اجابت دعا) و هم غیرمستقیم (از طریق بندگان) است.

«أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظُلْمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ» (حج: ۳۹). در این آیه خداوند به صراحت وعده نصرت برای مظلومان بیان می‌کند. عبارت «اللَّهُ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ» نشان می‌دهد که یاری‌رسانی به مظلومان از سوی خدا قطعی و حتمی است. استفاده از تأکیدهایی مانند «ان» و «لام» در تقدیر بیان‌کننده حتمیت نصرت خداست.

صاحب تفسیر نمونه در تفسیر خود بیان می‌کند: «قدرت الهی وقتی به یاری شما می‌آید که خود نیز به مقدار تواناییتان کسب قدرت و آمادگی دفاع کنید»؛ یعنی وقتی دشمن به ما حمله می‌کند نباید تنها در خانه بنشینیم، بلکه باید در برابر او بایستیم و با تمام توان با او بجنگیم. ما باید آنچه در توان داریم در این عالم اسباب به کار گیریم و در آنجا که قدرت شما پایان می‌گیرد در انتظار یاری خدا باشیم. بنابراین، این جمله نشان می‌دهد



که دفاع در برابر ظلم، وظیفه شرعی و انسانی ماست. اگر مظلوم فقط تماشا کند، ظلم گسترش می‌یابد؛ ولی اگر با تمام توان، از خود و دین و سرزمینش دفاع کند، مشمول یاری خدا خواهد شد. مردم غزه و فلسطین، لبنان دقیقاً مصداق این آیه هستند. سال‌ها تحت ظلم و ستم قرار گرفتند اما هیچ‌گاه تسلیم نشده‌اند. با وجود محاصره، تحریم، حملات هوایی و زمینی، نه‌تنها تسلیم نشدند، بلکه با پایداری، ایمان، مقامت و فداکاری در برابر یکی از قوی‌ترین ارتش‌های دنیا ایستاده‌اند و تسلیم نشده‌اند.

همچنین در آیه ۶۰ سوره انفال می‌فرماید: «هر چه توانایی دارید در برابر دشمنان از نیرو و قدرت و اسبهای ورزیده برای جنگ با دشمن آماده سازید»، خداوند مسلمانان را به آمادگی کامل برای مقابله با دشمنان حکم می‌کند و تأکید می‌کند که باید از تمام توان و ظرفیت‌ها برای دفاع در برابر دشمن خدا و از دشمن خود استفاده کنند. این آیه بر آمادگی مادی و نظامی برای مقابله با دشمنان تأکید دارد.

«وجود مبارک سیدالسادین (ع) به یکی از سنت‌های خداوند در هستی اشاره می‌کند؛ اینکه مظلوم همواره برخوردار از عنایت حضرت اوست و ظالم هیچ بهره‌ای از آن نمی‌برد و هرگز در هیچ موقعیتی، نمی‌تواند به یاری خداوند تکیه کند. خداوند این اصل را با قاطعیت در کلامش بیان می‌کند و حجت را بر بندگان خویش تمام می‌کند» (انصاری، ۱۴۰۰، ج. ۳، ص. ۲۷۶).

«إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ» (شوری: ۴۲)؛ راه (نکوهش) تنها بر کسانی است که به مردم ستم می‌کنند.

امام سجاد (ع) در این فراز می‌فرماید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاعْدِنِي عَلَيْهِ عَدْوَى حَاضِرَةً». یاری الهی به معنای حمایت و کمک خداوند به بندگان است. «أعد» از ریشه «عَدْوَى» به معنای یاری کردن و «حاضرة» مؤنث حاضر به معنای آنی و بی‌درنگ است؛ یعنی بار خدایا، بر محمد و آل او درود فرست و مرا در مقابله با دشمن ظالم یاری کن و نصرت ده؛ یاری‌ای آنی و بی‌درنگ. امام به این نکته ظریف اشاره می‌فرماید که دادخواهی و یاری‌دادن انسان‌ها به یکدیگر زمان‌بر است. البته همواره انسان‌هایی هستند که بی‌درنگ به فریاد یاری‌خواهی مظلومان پاسخ می‌دهند؛ به همین دلیل امام از خداوند طلب نصرتی آنی و بدون فوت وقت می‌کند. در عین حال ایشان این نکته را به مخاطبان آموزش می‌دهد که برای رسیدن به داد مظلوم تأخیر نکنید و به محض اینکه ندای یاری‌خواهی کسی را شنیدید به نصرتش بشتابید. در حدیث آمده است: «مَنْ سَمِعَ رَجُلًا يَتَادَى لِلْمُسْلِمِينَ فَلَمْ يَجِبْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ»؛ کسی که بشنود فردی بانگ برآورد که ای مسلمانان، به فریادم برسید اما جوابش را ندهد مسلمان نیست.

همچنین بر اساس فراز «اللَّهُمَّ لَا أَشْكُو إِلَّا أَحَدًا سِوَاكَ، وَ لَا أَسْتَعِينُ بِحَاكِمٍ غَيْرِكَ، حَاشَاكَ» به وضوح نشان می‌دهد که مؤمن تنها به خداوند تکیه می‌کند و هیچ‌کس دیگری را برای شکایت و درد دل خود نمی‌بیند. این بیانگر اعتماد کامل به خداوند و اعتقاد به اینکه منبع یاری و حمایت فقط خداست؛ و عبارت «وَلَا أَسْتَعِينُ بِحَاكِمٍ غَيْرِكَ» به این معناست که مؤمن هیچ‌گونه یاری و کمک را از غیر خداوند نمی‌طلبد.

«همان گونه که تنها حاکم مستقل خداست، تنها معین و کمک کار مستقل که منبع همه خیرات است خداوند متعال می باشد و دیگران اگر کمک و لطفی دارند همگی با اراده و مشیت و امداد الهی است» (رضوانی، ۱۳۹۱، ج. ۲، ص. ۲۷۶). در این فراز امام سجاد (ع) با لحنی سرشار از توحید و اخلاص، هرگونه استعانت از غیر خدا را در مقام دآوری نفی کرده و تنها خداوند را پناهگاه و حاکم واقعی می داند. این حصر استعانت، نشان دهنده باور عمیق امام به عدالت الهی و نفی هرگونه قدرت مستقل از او در دآوری میان ظالم و مظلوم است.

و از منظر قرآنی، خداوند متعال خود را مدافع مظلومان معرفی می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَدْفَعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا» (حج: ۳۸). «همانا خداوند از کسانی که ایمان آورده اند دفاع می کند.» این آیه بیان می کند که دفاع از مؤمنان از جانب خود خداوند انجام می گیرد؛ نه از طریق واسطه ها یا عوامل بشری.

«این وعده الهی مخصوص مؤمنان عصر پیامبر (ص) در برابر مشرکان نبود، حکمی است جاری و ساری در تمام اعصار و قرون، مهم آن است که ما مصداق الَّذِينَ آمَنُوا باشیم که دفاع الهی به دنبال آن حتمی است و تخلف ناپذیر، آری خدا از مؤمنان دفاع می کند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹، ج. ۱۴، ص. ۱۱۱). این وعده الهی، قانون همیشگی و فراگیر است که در همه زمان و مکان جاری است. مهم آن است که انسان، واقعاً در شمار مؤمنان حقیقی قرار گیرد، زیرا تحقق وعده نصرت خداوند مشروط به ایمان واقعی و عمل به لوازم آن است. بنابراین هرگاه بندگان در صف اول ایمان قرار گیرند، حمایت و دفاع الهی حتمی و تضمین شده خواهد بود.

امام سجاد در این فراز می فرماید (عَرَفُهُ عَمَّا قَلِيلٍ مَا أُوْعِدَتِ الظَّالِمِينَ، وَ عَرَفْنِي مَا وَعَدْتِ مِنْ إِبَابَةِ الْمُضْطَرِّينَ) خداوند همیشه به کسانی که در موقعیت های سخت قرار دارند و به درگاه او روی می آورند، پاسخ می دهد. چون خداوند وعده داده، هر وقت، هر زمان، اگر کسی و هر مظلومی مشکلات و پربشانی دارد و درگاه خدا صدا بزند، خداوند جواب ایشان را می دهد. خداوند هیچ گاه بندگان خود را فراموش نمی کند و خداوند همیشه به وعده های خود وفا می کند و همواره نسبت به بندگان مهربان است.

واژه «مضطرب» به کسی گفته می شود که در نهایت درماندگی، گرفتاری، و بی پناهی قرار دارد. در بیشتر موارد، مظلوم دقیقاً چنین وضعیتی دارد. او مورد ظلم قرار گرفته، بنابراین، مضطرب یکی از مصداق مظلوم است. خداوند در قرآن مجید می فرماید: «أَمَّنْ يَجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ» (نمل، ۶۲). «آیا کسی غیر از خداست که دعای مضطرب را اجابت کند و گرفتاری را برطرف سازد؟» این آیه نشان می دهد که اجابت دعای مضطرب، وعده قطعی الهی است؛ یعنی خداوند تعهد کرده که در زمان درماندگی، انسان را یاری کند. وقتی خدا دعای مضطرب را اجابت می کند، «المضطرب الذي أحوجته شدة من الشدائد الى اللجأ و الصراعة الى الله تعالى كالمرض و الفقر و الدين و الغرق و الحبس و الجور و الظلم و غيرها من نوازل الدهر فكشفها» (حقی، بی تا، ج. ۶، ص. ۳۶۲).

ج) قطعی بودن عذاب ظالمان

سومین مبنا از مبانی با دشمن، قطعی بودن عذاب ظالمین است. خداوند یقیناً به ظالمان عذاب می دهد، در این فراز می فرماید (وَ يَا مَنْ قَرَّبَتْ نُصْرَتُهُ مِنَ الْمُظْلَمِينَ). وقتی نصرت خدا برای مظلومین قریب است،



پس جزای ظالمان ممکن است به آخرت موکول شود، لذا امکان تأخیر در مجازات ظالمان را دارد و خداوند بر ظالمان خیلی غضبناک می‌شود.

همچنین بر اساس فراز «وَايَا مَنْ بَعْدَ عَوْثُهُ عَنِ الظَّالِمِينَ» از صحیفه سجادیه بر قطعی بودن عذاب الهی برای ستمگران دلالت دارد. این جمله با تأکید بر دوری یاری خداوند از ظالمان، بر یک سنت تغییرناپذیر الهی اشاره می‌کند که بر اساس آن، ظالمان از رحمت و حمایت الهی محروم شده و سرنوشت آنان نابودی است. محرومیت از کمک الهی، به معنای واگذار شدن ظالمان به خودشان و در نتیجه، گرفتار شدن در سرنوشت محتوم خویش است.

همچنین در قرآن می‌فرماید: «فَأَنْزَلْنَا عَلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا رِجْزًا مِنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ» (بقره: ۵۹). ما هم بر ستمکاران به سبب آنکه همواره نافرمانی می‌کردند، عذابی از آسمان فرود آوردیم. «و الرجز فی لغة اهل الحجاز: العذاب» (طوسی، بی‌تا، ج. ۱، ص. ۲۶۸).

«ابن زید می‌گوید: با بیماری طاعون در یک ساعت بیست و چهار هزار نفر از بزرگان و پیرمردهایشان هلاک شدند و فرزندانشان باقی ماند و در نتیجه علم و عبادت از آنان رفت و از دست دادن افاضل و دانشمندانشان عذابی برای باقیماندگان شد» (طبرسی، ۱۳۳۸، ج. ۱، ص. ۱۸۹).

و در این عبارت امام سجاد (ع) می‌فرماید (اِنَّهٗكَهٗ مِئِي مِمَّا حَجَرْتْ عَلَیْهٖ) بر تجاوز از حدود الهی و زیر پا گذاشتن ممنوعیت‌های الهی تأکید دارد. این تجاوز، که ناشی از بی‌اعتنائی ظالم به احکام خداوند است، یکی از دلایل قطعی شدن عذاب او شمرده می‌شود. بر این اساس، این عبارت نشان‌دهنده سنت تغییرناپذیر الهی در مجازات ظالمان است؛ زیرا سرپیچی از حدود الهی نه تنها موجب دوری از رحمت خداوند می‌شود، بلکه فرد را به سرنوشت محتوم عذاب و هلاکت دچار خواهد کرد.

در قرآن کریم هم تجاوز کردن به حدود الهی را به شدت نهی شده است. «تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَ مَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» (بقره: ۲۲۹) به صراحت تجاوز به حدود الهی را ظلم و گناه بزرگ معرفی می‌کند.

(اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ لَا تُسَوِّغْ لَهُ ظُلْمِی، وَ أَحْسِنْ عَلَیْهِ عَوْنِی) در این عبارت امام سجاد (ع) درخواست عدالت الهی در برابر ظلم و ستم می‌کند و بر حتمی بودن مجازات ظالمان و حمایت الهی از مظلومان تأکید دارد. در بخش «لَا تُسَوِّغْ لَهُ ظُلْمِی» از خداوند خواسته می‌شود که ستم ظالم را برای او مشروع و سودمند قرار ندهد. این بیانگر آن است که ظالم نه تنها نباید از ستم خود بهره‌ای ببرد، بلکه باید عواقب و کیفر ظلمش نیز ببیند. سنت الهی چنین است: ظلم هرگز پایدار نمی‌ماند و خداوند اجازه نمی‌دهد که ستمگران در نهایت کامیاب شوند. این هم در قرآن و هم در روایات تأیید می‌کند. «أَنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ یَحَارِبُونَ اللَّهَ...» (مانده: ۳۳). این آیه به مجازات قطعی و سخت ظالمان و مفسدان در زمین اشاره دارد؛ کسانی که با خدا و رسولش می‌جنگند و فساد و ظلم گسترده ایجاد می‌کنند. امام سجاد (ع) در دعایش درخواست می‌کند که ظلم ظالم برایش توجیه و سودمند نباشد و عواقب ظلمش را ببیند. این آیه به صراحت بیان می‌کند که مجازات ظالمان و مفسدان در

زمین قطعی است و خداوند آن‌ها را به کیفرهای سخت دچار می‌سازد. و در روایات هم بیان شده: «الظُّلْمُ بَرُّ الْقَدَمِ وَيَسْلُبُ النَّعْمَ وَيُهْلِكُ الْأُمَّةَ»؛ ظلم موجب لغزش و سلب نعمت و سبب هلاکت امت‌هاست (آمدی، ۱۴۱۰ق، ج. ۱۰۴۱۱).

در این فراز امام (ع) می‌فرماید: «عَرَفَهُ عَمَّا قَلِيلٍ مَا أُوْعِدَتَ الظَّالِمِينَ»، از خداوند درخواست می‌شود که ظالم را به زودی با آنچه به ستمگران وعده داده (یعنی عذاب و مجازات) آشنا کند. عبارت «عَمَّا قَلِيلٍ» (به زودی) نشان‌دهنده قطعیت و نزدیکی عذاب الهی برای ظالمان است و بر سرنوشت محتوم و گریزناپذیر آن‌ها تأکید می‌کند که دیر یا زود به کیفر اعمال خود خواهند رسید. خداوند متعال هم در قرآن بیان می‌کند: «إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَيَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (شوری: ۴۲). ایراد و محکومیت فقط متوجه کسانی است که به مردم ستم روا می‌دارند و به ناحق در زمین سرکشی می‌کنند، اینانند که برای آنان عذابی دردناک خواهد بود.

این وعده عذاب مخصوص برای ظالمان است که حقوق دیگران را پایمال می‌کنند و بر روی زمین فساد می‌کنند. ظالم هر که باشد، خدا از ظلم ظالم غافل نیست. «تجاوز به حقوق مردم (حتی غیر مسلمان و در هر شکل) ناروا و سزاوار پیگیری و مؤاخذه است» (قرائتی، محسن، تفسیر نور، ج. ۸، ص. ۴۱۹). و خداوند عذاب سخت و دائمی برای این گروه قرار داده است. این آیه تأکید می‌کند که ظلم و ستم بی‌پاسخ نمی‌ماند و ظالمان در برابر خدا مسئولند. بنابراین، وعده عذاب الهی برای ظالمان به صورت قطعی و شدید بیان شده است. عبارت «اللَّهُمَّ وَ إِنْ كَانَتِ الْخَيْرَةُ لِي عِنْدَكَ فِي تَأْخِيرِ الْأَخْذِ لِي» به یکی از جنبه‌های حکیمانه رفتار خداوند با ظالمان اشاره دارد. گاهی مصلحت خداوند در تأخیر مجازات آن‌ها است. این تأخیر نه به معنای چشم‌پوشی، بلکه در راستای حکمت و تدبیر الهی برای تحقق مصالح برتر است. جمله «و تَرَكَ الْإِنْتِقَامَ مِمَّنْ ظَلَمْتَنِي إِلَى يَوْمِ الْفُضْلِ وَ مَجْمَعِ الْأَخْصَمِ» بیان می‌کند که اگر انتقام در دنیا محقق نشود، بی‌تردید در قیامت، که روز جدایی حق از باطل و محاکمه نهایی است، انجام خواهد شد. «يوم الفصل» یکی از اسماء قیامت است و نشانه برپایی کامل عدالت الهی در آن روز می‌باشد. «إِنَّ يَوْمَ الْفُضْلِ كَانَ مِيقَاتًا» (نبا: ۱۷). «همانا روز جدایی، وعده‌گاه (ما با شما) است.» این آیه نشان می‌دهد که قیامت، روز تحقق کامل عدالت است؛ زمانی که همه مظلومان به حق خود می‌رسند و ظالمان بی‌پناه خواهند بود.

لذا در این فراز، امام سجاد (ع) «وَ أَعَدَدْتَ لِخَصْمِي مِنْ جَزَائِكَ وَ عِقَابِكَ» قطعی بودن عذاب ظالمان را بیان می‌کند. در این جمله، فعل «أَعَدَدْتَ» (آماده کرده‌ای) نشان می‌دهد که مجازات دشمنان و ظالمان از پیش مقرر شده و تخلف‌ناپذیر است. این آمادگی به معنای آن است که خداوند از پیش برای ستمگران عذاب را مقدر کرده که حتمی و غیرقابل تغییر خواهد بود.

واژه «لِخَصْمِي» (دشمن من) به ظالمانی اشاره دارد که در برابر عدالت الهی و حقوق مظلومان ایستاده‌اند. در آموزه‌های دینی، ظلم یکی از مهم‌ترین دلایل نزول عذاب الهی است و این عبارت تأکید دارد که هیچ ظالمی از عدالت خداوند در امان نخواهد بود.



از سوی دیگر، ترکیب «جَزَائِكَ وَ عِقَابِكَ» دو بُعد متفاوت از مجازات الهی را نشان می‌دهد. «جَزَاء» به معنای پاسخ و نتیجه‌ای است که هر فرد بر اساس اعمال خود دریافت می‌کند، یعنی ستمگران به جزای طبیعی اعمال خود خواهند رسید. در مقابل، «عِقَاب» نشان‌دهنده تنبیه الهی است که خداوند برای ظالمان مقرر کرده، تنبیهی که فراتر از نتایج طبیعی ظلم است و جنبه قهری و الهی دارد.

خداوند متعال برای برخی از کردارهای ناپسند و برای ظالمان جزا و پاداش معین نموده است که در دنیا یا در آخرت به شخص گناهکار خواهد رسید. همچنین امیرالمؤمنین (ع) در نهج البلاغه می‌فرماید: «وَأَلَيْسَ شَيْءٌ أَدْعَى إِلَى تَغْيِيرِ نِعْمِ اللَّهِ وَ تَعْجِيلِ تَقْمَتِهِ مِنْ إِقَامَةِ عَلَى ظُلْمٍ، فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ دَعْوَةَ الْمَظْلُومِينَ، وَ هُوَ لِلظَّالِمِينَ بِالْمُزْصَادِ» (نهج البلاغه، ۵۳). امیرالمؤمنین (ع) در نامه مالک اشتر به روشنی تأکید می‌کند که ظلم و ستم، سرانجام باعث نابودی نعمت‌ها و فرود آمدن عذاب الهی می‌شود. ایشان می‌فرماید: هیچ چیزی مانند ادامه دادن به ظلم، نعمت‌ها را از بین نمی‌برد و عذاب خدا را این قدر سریع نازل نمی‌کند. خداوند صدای مظلومان را می‌شنود و ستمگران را زیر نظر دارد و در کمین آن‌هاست.

د) قدرت خدا در مواجهه با دشمنان

چهارمین مبنا از مبانی با دشمن، قدرت خدا در مواجهه با دشمنان است. امام سجاد (ع) در این فراز می‌فرماید (وَ أَنْتَهَكُهُ مَنِّي مِمَّا حَجَزَتْ عَلَيْهِ). در این بخش از دعای امام سجاد (ع)، واژه «أَنْتَهَكُهُ مَنِّي» به معنای شکستن یا از بین بردن چیزی که در اختیار فرد بوده، و «مِمَّا حَجَزَتْ عَلَيْهِ» به معنای آن چیزی است که خداوند از او بازداشته یا مانع آن شده است. این بیان نشان می‌دهد که خداوند، حتی در برابر دشمنان فرد، قدرت مطلق دارد و می‌تواند آنچه را که برای آن‌ها مقدر کرده است، تغییر دهد یا محدود کند. همچنین در قرآن خداوند می‌فرماید: «إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ» (نحل: ۹۹). بی‌گمان شیطان هیچ سلطه‌ای بر کسانی که ایمان آورده‌اند و بر پروردگارشان توکل می‌کنند ندارد.

و در این فراز امام (ع) می‌فرماید (فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَبْذِنِي مِنْكَ بِنَبِيَّةٍ صَادِقَةٍ وَ صَبْرٍ دَائِمٍ) در این فراز نشان می‌دهد که قدرت خدا مانند یک سپر محکم و شکست‌ناپذیر، مؤمنان را در برابر دشمنان حفظ می‌کند. دشمنان می‌توانند وسوسه کنند، تهدید کنند یا برای آسیب نقشه بکشند، اما اگر انسان ایمان داشته باشد و بر خدا توکل کند، هیچ سلطه و تسلط واقعی بر او نخواهند داشت.

این حقیقت در حوادث تاریخی نیز به خوبی آشکار است؛ چنان‌که در ماجرای غار ثور آمده است و در زمان هجرت پیامبر اکرم (ص)، مشرکان قریش برای قتل ایشان نقشه کشیدند (انفال: ۳۰). پیامبر (ص) شبانه از مکه خارج شد و به همراه ابوبکر در غار «ثور» پنهان شد. دشمنان تا دم غار آمدند، اما قدرت خدا نقشه آنان را ناکام گذاشت.

وقتی امام (ع) درخواست یاری با «نبی صادق» و «صبری دائم» می‌کند، نشان‌دهنده آن است که دشمنان می‌خواهند او را از مسیر حق منحرف کنند. دشمنان می‌توانند عوامل بیرونی (مانند افراد ظالم و

ستمگر) یا عوامل درونی (مانند وسوسه‌های شیطان و هوای نفس) مؤمنان را گمراه کنند. همچنین در قرآن می‌فرماید: «بِأَيِّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (انفال: ۴۵). ای اهل ایمان! هنگامی که [در میدان نبرد] با گروهی [از مشرکان و کافران] برخورد کردید، ایستادگی نمایید و خدا را بسیار یاد کنید تا رستگار شوید.

این آیه نشان می‌دهد که استقامت در مواجهه با دشمن تنها با قدرت خدا ممکن است؛ زیرا فرمان به استقامت می‌دهد و این استقامت قدرتی است که خدا در دل مؤمنان می‌گذارد. در تفسیر هم به همان نکته اشاره می‌کنند: «عن عبد الله بن عمر رضی الله عنهما قال قال رسول الله صلی الله علیه و سلم لا تتمنوا لقاء العدو و اسألوا الله العافية فان لقيتموهم فاثبوتوا و اذكروا الله كثيراً فإذا جلیوا و صیحوا فلیکم بالصمت» (سیوطی، ۱۴۰۴ ق، ج. ۳، ص. ۱۸۹). آرزوی روبه‌رو شدن با دشمن را نکنید و از خداوند عافیت بخواهید. اما اگر با آنان روبه‌رو شدید، پس پایدار باشید و خداوند را بسیار یاد کنید.

نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف واکاوی «مستندات قرآنی مبانی خدانشناسی مواجهه با ظالمان بر اساس دعای چهاردهم صحیفه سجادیه» و با روش تحلیل محتوای کیفی انجام شد. بررسی‌های انجام شده بر روی فرازهای دعا و تطبیق آن‌ها با آیات قرآن کریم، نتایج زیر را حاصل نمود:

مبانی نظری مواجهه با دشمن:

مبانی خدانشناسی: مواجهه با دشمن در مکتب صحیفه سجادیه بر چهار رکن خدانشناختی استوار است: آگاهی مطلق الهی: خداوند بر تمام نقشه‌ها، ظلم‌ها و حتی دردهای درونی مظلومان آگاه است؛ لذا هیچ ظلمی بی‌پاسخ نمی‌ماند و نیاز به اثبات قضایی برای خداوند نیست. قطعیت نصرت: یاری خداوند برای مظلومانی که در مسیر حق استقامت می‌کنند، قطعی و قریب است و این نصرت گاهی از طریق اسباب طبیعی و گاهی امدادهای غیبی محقق می‌شود. حتمیت عذاب ظالمان: سنت الهی بر این است که ظالمان یا در دنیا رسوا و عذاب شوند و یا عذاب آن‌ها به آخرت موکول گردد، اما اصل مجازات تخلف‌ناپذیر است. قدرت مطلق الهی: قدرت خداوند مافوق تمام قدرت‌های مادی دشمنان است و اراده او بر شکستن شوکت ظالمان تعلق گرفته است.



منابع

- انصاری، محمدعلی. (۱۴۰۰). شرح صحیفه سجادیه: شکوه نیایش. قم: بیان هدایت نور.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد. (۱۴۱۰ق). غرر الحکم و درر الکلم. قم: دارالکتاب الإسلامی.
- حقی، اسماعیل بن مصطفی. (بی‌تا). تفسیر روح البیان. بیروت: دارالفکر.
- رضوانی، علی اصغر. (۱۳۹۱). شرح صحیفه سجادیه: پیام‌ها و هدایت‌ها. قم: دلیل ما.
- سیوطی، عبدالرحمان بن ابی بکر. (۱۴۰۴ق). الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور. قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۳۸). مجمع البیان فی تفسیر القرآن (تصحیح و تعلیق ابوالحسن شعرانی). تهران: مکتبه العلمیه.
- طوسی، محمد بن حسن. (بی‌تا). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰ق). التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب). بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- قرائتی، محسن. (۱۳۷۴). تفسیر نور. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۹). الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل. قم: مدرسه الامام علی ابن ابی طالب (ع).
- ممدودی، حسن. (بی‌تا). ترجمه و شرح صحیفه سجادیه: شهود و شناخت. قم: بوستان کتاب.